راهکارهایی در تربیت فرزندان

علی قنبریان

شخصیت انسان‌ها در گرو تعلیم و تربیت، محیط و وراثت است. به نظر می‌رسد از میان سه عامل مذکور، نقش تربیت پررنگ‌تر و برجسته‌تر است. مهم‌ترین زمان برای تربیت، دوران کودکی است که شخصیت کودکان خام و بدون نقش است و مهم‌ترین مکان، کانون خانواده است. فرزندانِ امروز آینده‌سازان فرهنگ و تمدن هستند. هرچقدر والدین در تربیت فرزندان کوشا باشند، افراد باکفایت‌تری جامعه را تشکیل می‌دهند. در مقالهٔ حاضر به چند راهکار در تربیت بهتر فرزندان اشاره شده است.

***

۱. تقویت امور مثبت با نظام پاداش‌دهی

نظام اجر و پاداش یکی از اصول تربیتی قرآن است که به‌وفور از طرف خداوند تعالی استفاده شده است. پاداش، جایگاه ویژه‌ای در رفتار انسانی دارد و در تنظیم رفتارها و ایجاد انگیزه برای پاداش‌گیرنده بسیار مؤثر است. می‌توان گفت تمامی تکالیف شرعی و اخلاقی و رفتارهای دینی همراه با پاداش بوده و هیچ کار نیکی بدون پاداش نخواهد ماند. قرآن کریم در بیانی زیبا بدین نکته اشاره کرده می‌فرماید: «هرکسی به‌اندازه ذره‌ای کار نیکی انجام دهد، آن عمل نیک را ببینند». (زلزال، آیهٔ ۷) در آیه ۳۰ سوره کهف تأکید می‌کند که عمل نیکوی افراد در نزد خدا، دارای پاداش بوده و محفوظ است: «مسلماً کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند [پاداششان داده خواهد شد] زیرا ما پاداش کسانی را که کار نیکو کرده‌اند، تباه نمی‌کنیم. »(کهف، آیهٔ ۳۰)

در تربیت فرزندان،شایسته است که از این شیوهٔ قرآن پیروی کرد و رفتارهای پسندیدهٔ فرزندان با قرار دادن پاداش‌هایی برای آنان تقویت شود. بدیهی است که پاداش‌ها باید مناسب با سن فرزندان باشد و مواردی به‌عنوان پاداش قرار گیرد که برایشان جذابیت داشته باشد.

۲. کنترل فرزند در فضای مجازی

امروزه فضای مجازی، چه برای اوقات فراغت و چه برای کار و شغل، بخشی از زندگی افراد شده است و کودکان نیز از این امر مستثنا نیستند. رها کردن کودکان در فضای مجازی بدون هیچ کنترلی صلاح نیست. اپلیکیشن (نرم‌افزار)های کنترل فرزند در فضای مجازی (Parental Control) طراحی شده است. این نرم‌افزارها، موبایلی یا تحت وب هستند که به والدین امکان نظارت و کنترل آگاهانه یا نامحسوس عملکرد فرزندان در فضای مجازی را می‌دهند و هرکدام دارای قابلیت‌ها و ویژگی‌های خاص خود هستند. والدین با آموزش به فرزندان و تنظیم اوقات فراغت آنها و از همه مهم‌تر برقرار کردن ارتباط عاطفی مناسب با آنها، قادرند تا حدود زیادی رفتار آنها را کنترل کنند. همچنین انس و الفت فرزندان با فضاهای حقیقی مناسب مانند حضور در مساجد و اردوهای فرهنگی و دوستان صالح، استفادهٔ از فضای مجازی را کاهش می‌دهد.

۳. آخرت‌مداری فرزندان

بسیاری از آیات قرآن دربارهٔ آخرت (معاد) و لزوم پاسداشت آن است که حاکی از اهمیت آن در بازدارندگی از گناه و محرّکی برای انجام نیکی‌هاست. بنابراین پدرومادران با توجه دادن فرزندان به نعمت‌ها و لذات اخروی و هشدار نسبت به عقوبت‌ها و عذاب‌های انسان‌های خطاکار، زمینهٔ پرورش و تمایل به خوبی‌ها را در وجود فرزندان آماده می‌کنند.

بسیاری از آیات قرآن دربارهٔ آخرت (معاد) و لزوم پاسداشت آن است که حاکی از اهمیت آن در بازدارندگی از گناه و محرّکی برای انجام نیکی‌هاست. بنابراین والدین با توجه دادن فرزندان به نَعمت‌ها و لذات اخروی و هشدار نسبت به عقوبت‌ها و عذاب‌های انسان‌های خطاکار زمینهٔ پرورش و تمایل به خوبی‌ها را در وجود فرزندان آماده می‌کنند.

هر انسانی در طول زندگی، امتحان و آزمایش می‌شود. گاهی بین دنیا و آخرت قرار می‌گیرد و باید فقط یکی را انتخاب کند.بسیاری از انسان‌ها به‌خاطر نقد بودن دنیا و شیرینی لذات آن، آخرت را رها می‌کنند. حضرت عباس(ع) در واقعهٔ عاشورا مخیّر بین دنیا و آخرت شد. دنیا، امان‌نامهٔ شمر بود برای زنده ماندن عباس و تنها گذاشتن حسین(ع)؛ و آخرت، ایستادگی با حسین(ع) و شهادت در راهش بود. حضرت ابوالفضل(ع) عزت آخرت‌مداری را بر لذت دنیاگرایی ترجیح داد. فرزندانمان شایسته است که از ایشان پند گیرند و آخرت را مقدم بر دنیا کنند. به بیان دیگر، منفعت شخصی خود را که همان دنیای آنان است، بر مصالح کشور و دیگر مسلمانان، ترجیح ندهند.

۴. ایجاد آرامش و تمرکز ذهن در فرزندان

امروز بشر علی‌رغم پیشرفت در صنعت و تکنولوژی، به‌جای کسب آرامش، روزبه‌روز از طبیعت اصلی خویش فاصله گرفته و بر استرس و آشفتگی‌های ذهنی و در نهایت بر آسیب‌های روان‌تنی خود افزوده است؛ به‌طوری که همه‌ساله در تمامی جوامع از کشورهای جهان، آمار بیماری‌های روحی و روانی روندی روبه‌رشد داشته و داروهای آرام‌بخش و ضدافسردگی، جزو داروهای پرفروش هستند. بدیهی است که والدین لازم است محیطی آرام و بدون استرس را در خانه برای فرزندان خویش ایجاد کنند تا زمینهٔ پیشرفت فرزندان آماده‌باشد. چند راهکار زیر می‌تواند باعث ایجاد آرامش و کمک کار والدین در امر تربیتِ نونهالان خود باشد:

الف) نگرش مثبت، خواب کافی، تغذیه مناسب و انجام ورزش روزانه سبب دستیابی به سلامت و باعث چیره‌شدن به بسیاری از استرس‌های زندگی امروزی می‌شود.

ب) هم اکنون تنها زمانی است که فرزندان عملاً در آن هستند و حضور دارند. گذشته فقط در خاطره‌ها وجود داشته و آینده تنها در پیش‌بینی‌های ما است. زندگی واقعی، بودن در لحظه حال است. به دو روایت دراین‌باره اشاره می‌شود:

روایت اول: قال علی(ع): «الدهر یومان: یوم لک ویوم علیک، فانْ کان لک فلا تبطر، وإن کان علیک فاصبر» (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج۷۴، ص ۴۲۰) روزگار دو روز است: روزی به نفع تو و روزی به ضرر تو. اگر روزگار به نفع تو باشد، نبایستی به هوسرانی بپردازی و اگر به ضرر تو باشد، پس صبر کن. روایت دوم: قال علی(ع): «لا تشعر قلبک الهمّ علی ما فات، فیشغلک عن الاستعداد لما هو آت» (علی‌بن‌محمد لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص۵۳۰)اندوه آنچه را که گذشته، به خود تلقین مکن؛ چراکه تو را از آمادگی برای آینده بازمی‌دارد.

پ) پاک‌سازی هوای داخل منزل یا محل کار از آلاینده‌ها به‌وسیلهٔ افزودن گلدان‌هایی به دکور منزل یا دفتر کار هم می‌تواند راه دیگری برای رهایی از استرس باشد؛ چراکه طبیعت،آن‌هایی را پرورش می‌دهد که احساس به‌زیستی می‌کنند.

ث) یادآوری داشته‌ها و تمرکز بر امور مثبت و به بیان دیگر سپاسگزاری، نقش بسیاری در آرامش و دفع استرس و تنش و بالا بردن اعتماد به نفس دارد. فرزندان را آموزش دهید تا برای تمام نعمت‌های کوچکی که دارند قدردانی نشان دهند (نگار سنجری‌فر، یوگا و مدیریت استرس: هنر زندگی دلپذیر، ص۶۶). در قرآن ۵۲ مرتبه واژهٔ «شُکر» و مشتقات آن ذکر شده است. به‌عنوان نمونه: اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود (سورهٔ ابراهیم، آیهٔ ۷). در نقطهٔ مقابل، اگر فرزندان به‌جای توجه به داشته‌ها و سپاسگزاری برای آن، به داشته‌های مردم توجه کنند، دچار غم و غصه شده و آرامششان تقلیل می‌یابد. پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «من نظر الی ما فی أیدی النّاس، طال حزنه ودام أسفه» (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج۷۴، ص۱۷۲) هرکسی به داشته‌های مردم نظر داشته باشد، دارای غمی طولانی و تأسفی دائمی خواهد بود.

۵. حضور فرزندان در مساجد

مسجد محل ارتباط با خداوند و عبادت اوست. معارف الهی در آن بیان شده و انسان‌های صالح، نیکوکار و متدین در آن رفت‌وآمد می‌کنند. بنابراین، حضور فرزندان در چنین مکانی در ارتقاء سطح دینی آنها و اخلاقی شدنشان مؤثر است. برای همین است که در دین بر جایگاه مسجد تأکید شده است. امام خمینی در تحریرالوسیله در بخش مکان نمازگزار به اهمیت جایگاه مسجد در فرهنگ دینی اشاره می‌کند:

الف) خواندن نماز در مساجد، مستحب است، بلکه بدون عذر، مانند باران، در مسجد حاضر نشدن مخصوصاً برای همسایهٔ مسجد مکروه است، حتی در حدیث آمده است: «برای همسایهٔ مسجد نماز نیست مگر در مسجد».

ب) تعطیل گذاشتن مسجد مکروه است و در حدیث آمده است که «مسجد یکی از سه شکایت‌کننده‌ای است که روز قیامت به خداوند عزّ و جلّ شکایت می‌برند...» و در حدیث دیگری آمده است: «کسی که به‌سوی مسجدی از مساجد خدا برود برای او در برابر هر قدمی که برمی‌دارد تا هنگامی که به منزلش برگردد ده حسنه می‌باشد و از او ده سیئه محو می‌شود و ده درجه ترفیع می‌یابد».

پ) ساختن مسجد از مستحبات مؤکد است و اجر بزرگ و ثواب عظیمی دارد و در حدیث آمده که پیغمبر(ص) فرمود: «هرکه در دنیا مسجدی بسازد، خداوند متعال در برابر هر وجب آن، یا فرمود در برابر هر ذراع آن، به‌مقدار چهل‌هزار سال راه پیمودن، شهری از طلا و نقره و درّ و یاقوت و زمرّد و زبرجد و لؤلؤ به او عطا می‌فرماید (سیدروح‌الله موسوی خمینی، تحریرالوسیله «ترجمهٔ فارسی»، ج۱، ص۱۷۰ـ۱۷۱).

۶. تقویت روحیهٔ مسئولیت‌پذیری در فرزندان

شایسته است والدین روحیّهٔ مسئولیت‌پذیری را در فرزندان ایجاد کرده و ارتقا دهند. تقویت روحیّهٔ مسئولیت‌پذیری در فرزندان فواید بسیاری دارد. با مسئولیت‌پذیری پیشرفت حاصل می‌شود. فرزندِ مسئولیت‌پذیر برای رسیدن به اهداف تلاش می‌کند و از تن‌پروری و تن‌آسایی دوری می‌کند. پیامبر(ص) در مذمت انسان‌های بی‌مسئولیت می‌فرماید: «مَلْعُونٌ مَنْ أَلْقَی کَلَّهُ عَلَی النّاس» کسی که بار خودش را به دوش مردم افکند (و سربار جامعه شود) ملعون است (ابن‌شعبه حرانی، تحف‌العقول، ص۳۷).

در اسلام مسئولیت در چهار حوزهٔ ارتباطی مطرح شده است:

الف) رابطهٔ شخص با خویشتن: مانند ضرر نزدن به بدن، خودکشی نکردن، دوری از اعتیاد.

ب) رابطهٔ شخص با خدا: مانند نیت پاک، نماز و روزه.

پ) رابطهٔ شخص با اشیا: مانند اسراف نکردن.

ت) رابطهٔ شخص با انسان‌های دیگر؛ مانند: مهربانی و نیکی به والدین و خدمت به خلق.

۷. آموزش ارزش‌ها به فرزندان

آموزش ارزش‌ها به فرزندان جایگاه پراهمیتی دارد و والدین در این مورد باید اهتمام ویژه داشته باشند. والدینی که فرزندان را به حال خود رها کرده و ارزش‌ها را به آنها انتقال نمی‌دهند نباید توقع داشته باشند فرزندان صالح و سالمی از نظر روحی و روانی داشته باشند. بنابراین، با رشد جسمانی کودک لازم است آموزش‌های دینی نسبت به فهم و درک آنان داده شود. امام صادق(ع) زمان شروع تربیت دینی و آموزش احکام شرعی را هفت‌سالگی می‌داند (محمدبن‌یعقوب کلینی، الکافی، ج۵، ص۲۰۲). فرزندان در آستانه نوجوانی و دوران بلوغ تمایل به مذهب پیدا کرده و زمینه‌ای مساعد برای آموزش احکام و اعتقادات دینی دارند. روزی حضرت رسول(ص) نگاهش به بعضی از کودکان افتاد و فرمود: «وای بر فرزندان آخرالزمان از بی‌توجهی پدرانشان. گفتند: یا رسول‌الله از طرف پدران کافر؟ فرمودند: نه، بلکه از طرف والدین مؤمن آنان؛ زیرا واجبات احکام دینشان را به آنان یاد نمی‌دهند و هرگاه فرزندان به تعلیم دین بپردازند، مانع می‌شوند. این‌گونه والدین به مبلغ‌اندکی از متاع دنیا راضی می‌شوند که فرزندانشان برای آنان کسب می‌کنند. من از آنان بیزارم و آنان از من» (میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج۱۵، ص۱۶۴).

امام سجاد(ع) در رساله حقوق، وظیفه والدین را در این مورد این‌گونه بیان می‌کند: «حق فرزندت به تو آن است که بدانی وجود او بخشی از وجود توست و نیکی‌ها و بدی‌های او در این دنیا وابسته به تو است. باید بدانی که تو در مقام سرپرستی او مسئول هستی که وی را با ادب و تربیت صحیح پرورش‌دهی و او را به پروردگارش راهنمایی کنی و در اطاعت و فرمانبرداری حضرت حق یاری‌اش دهی. پدری باش که به وظیفه خود آشنا و به مسئولیت خود آگاه است. پدری که می‌داند اگر نسبت به او نیکی کند اجر و پاداش خواهد داشت و اگر درباره او بدی کند مستحق مجازات و کیفر خواهد بود» (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج۲، ص۶۶۲).

۸. گزینش نام شایسته

انسان به مقتضای فطرت از نام زیبا و خوش‌معنا لذت می‌برد و وقتی مورد خطاب قرار می‌گیرد، احساس شخصیت و سربلندی می‌کند. اگر نام زشت و بدمعنا داشته باشد موجب آزار روانی او شده و هرگاه مورد خطاب قرار گیرد، احساس سرخوردگی خواهد کرد. او یک عمر با نام خود در اجتماع زندگی می‌کند و همه‌جا با آن خطاب می‌شود. از این رو لازم است نام انسان، محبوب، زیبا، پرمعنا و شایسته باشد (امیرملک محمودی، راهنمای خانواده، ص۱۷۲). امامان معصوم بر همه فرزندان خود نام‌هایی با معانی عالی می‌نهادند و همواره سعی می‌کردند جامعه و محیط از نام‌های نیکو و بامعنا بهره‌مند و از نام‌های بی‌معنا و زشت خالی باشد (سیدعلی حسینی‌زاده، تربیت فرزند، ج۱، ص۷۰). نام نیک از چند جهت در انسان تأثیر می‌گذارد:

۱. تأثیر در رفتار دیگران: نام هر انسانی نمادی از او و بیانگر هویت و شخصیت او برای دیگران است. اگر یک ایرانی با یک خارجی برخورد کند، همین که نام خود را برای او بگوید، ملیت او برای فرد خارجی روشن می‌شود. مخاطب، هویت فرد را به‌همراه نام و مفهوم آن می‌شناسد و بر طبق آن رفتار می‌کند.

۲. اثر تلقینی: نام انسان برچسبی است که از آغاز تا پایان عمر و حتی در قیامت همراه انسان است و اثر تلقینی دارد؛ زیرا همه افرادی که با انسان سروکار دارند او را بدین نام می‌خوانند.

۳. اثر انگیزشی: انسان به‌طور ناخودآگاه می‌خواهد با بزرگانی که نام او از آنها گرفته شده است همانند شود و خود را مشابه آنان سازد. بنابراین می‌کوشد چنان رفتار کند که آنان رفتار کرده‌اند (سیدعلی حسینی‌زاده، تربیت فرزند، ج۱، ص۷۱ـ۷۲).

۹. راستی و صداقت

یکی از روش‌های مهم در تربیت، راستگویی و صداقت در رفتار و گفتار با کودک و پرهیز از دروغ، تزویر، و حیله است. کودک، هم راستی را خوب درک می‌کند، هم دروغ وحیله را. کسانی که گمان می‌کنند کودک این مسائل را درک نمی‌کند و آنها بدون ایجاد دردسر بر خود و فرزندانشان، تنها با دادن وعده‌ای دروغین، به خواسته خویش و صلاح فرزندانشان دست یافته‌اند در اشتباهند. والدین با این کار، بزرگ‌ترین مشکل را برای خود و فرزند تراشیده‌اند؛ زیرا فرزند از همان سنین کودکی بی‌صداقتی والدین را درک کرده و این الگویی برای آینده او خواهد بود. بی‌صداقتی با کودک از سه جهت آثار ضدتربیتی دارد:

۱. والدین الگویی عملی برای کودکان محسوب می‌شوند و کودکان در رفتارهای خلاف و انحرافی از بزرگ‌ترها تقلید می‌کنند. صداقت والدین درس عملی برای فرزندان است که آثار آن از درس گفتاری بسیار بیشتر است.

۲. والدین از این طریق اعتماد فرزندان خود را از دست می‌دهند. فرزندی که با بی‌صداقتی والدین مواجه می‌شود به حرف و قول آنها اعتمادی نخواهد داشت و با دیده تردید به آنها می‌نگرد و کارهای تربیتی در او بی‌اثر خواهد بود.

۳. والدین از این طریق به شخصیت کودک لطمه می‌زنند. کودکی که با بی‌صداقتی، تزویر، و دروغ با او رفتار شده، احساس می‌کند ارزش او همان است؛ زیرا اگر ارزش، احترام و شخصیت داشت این‌گونه با او برخورد نمی‌شد (سیدعلی حسینی‌زاده، تربیت فرزند، ج۱، ص۱۴۹ـ۱۵۰).

۱۰. دعا برای نیکبختی کودک

افزون بر رعایت حقوق مادی و معنوی فرزندان، یکی از مهم‌ترین وظایف والدین، دعا برای نیکبختی و سعادت فرزندان است. شایسته است والدین بر این امر مهم توجه خاصی داشته باشند و در شرایط مساعد روحی و فرصت‌های ویژه، فرزندان خود را دعا کنند. از مطالعه شرح حال برخی از بزرگان چنین به‌دست می‌آید که رمز موفقیت آنها مرهون دعای پدر و مادرشان بوده است (عبدالکریم پاک‌نیا، حقوق متقابل والدین و فرزندان، ص۱۵).

به طور کلی دعا برای سلامتی و رستگاری کودک، در هر لحظه و مرحله‌ای از تربیت او مؤثر است. دعا برای فرزند صرف‌نظر از تأثیرات روحی، معنوی و جسمی، تأثیرات روانی و تلقینی نیز دارد؛ زیرا وقتی فرزند والدینی دارد که باور به خدا و استمداد از او را هر دم زمزمه می‌کنند، او نیز بدان سو کشیده خواهد شد. دعا در سیره معصومان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ حتی هنگامی که انسان تصمیم بر امر ازدواج می‌گیرد، بر دعا کردن برای برخورداری از فرزند صالح تأکید شده است. (سیدعلی حسینی‌زاده، تربیت فرزند، ج۱، ص۶۷)

۱۱. عادت دادن فرزندان به دعا و ذکر

معصومان فرزند خود را به دعا و ذکر عادت می‌دادند. از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمود: «پدرم ما را جمع می‌کرد و امر می‌کرد که ذکر خدا بگوییم تا آنگاه که خورشید طلوع کند» (محمدبن‌یعقوب کلینی، الکافی، ج۴، ص۳۶۶). همچنین زید پسر امام زین‌العابدین(ع) می‌گوید: «پدرم در شب نیمه شعبان همه ما را جمع می‌کرد. شب را به سه قسمت تقسیم می‌کرد. یک قسمت آن را با ما نماز می‌خواند. آنگاه دعا کرده و ما آمین می‌گفتیم. سپس استغفار می‌کرد و ما هم استغفار می‌کردیم و از خدا طلب بهشت می‌کردیم تا فجر طلوع کند». (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج۸۰، ص۱۱۵)

افزون بر رعایت حقوق مادی و معنوی فرزندان، یکی از مهم‌ترین وظایف والدین، دعا برای نیکبختی و سعادت فرزندان است. شایسته است والدین بر این امر مهم توجه خاصی داشته باشند و در شرایط مساعد روحی و فرصت‌های ویژه، فرزندان خود را دعا کنند. از مطالعه شرح حال برخی از بزرگان چنین به‌دست می‌آید که رمز موفقیت آنها مرهون دعای پدر و مادرشان بوده است.

دنیا، کشتزاری برای آخرت

محسن قرائتی

حدیث معروفی است که می‌گوید: «الدنیا مزرعه الآخره».(تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعهٔ ورّام) ، جلد۱ ، صفحه۱۸) مزرعه چه خصوصیاتی دارد؟ مزرعه را در یک فصلی می‌کارند و در یک فصلی محصول برمی دارند. یک زمانی باید کاشت، یک زمانی باید داشت. کار در دنیا، پاداش در آخرت.

در مزرعه بذر اگر سالم بود محصولش خوب می‌شود. در دنیا هم باید عمل سالم باشد.

عمل سالم است که در قیامت می‌ماند. خیلی‌ها ممکن است روزی شانزده ساعت کار کنند. صبح و شام ممکن است سخت‌ترین کارها را بکنند ولی قرآن می‌گوید: با اینکه جان می‌کند ولی جهنمی است.

۱.سعی و تلاش کشاورز روی بذر سالم نتیجه می‌دهد

قرآن در سوره غاشیه می‌گوید: «عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ» (غاشیه/۳) بعضی‌ها «عامله» هستند یعنی جان می‌کنند. عمل می‌کنند و بیکار نیستند. «ناصبه» نصب هم یعنی سختکوش است اما در قیامت دستشان خالی است. «تَصْلَیٰ نَارًا حَامِیَةً» با اینکه روزی شانزده ساعت کار می‌کند جهنم می‌رود. چرا؟ برای اینکه بذرش سالم نیست. نیتش خدا نیست. بذری در دنیا و در این مزرعه فایده دارد که سالم باشد. بذر سالم میوه می‌دهد.

کشت باید متناسب با زمین باشد. عمل هم باید متناسب با نیاز باشد. گاهی افراد عملی انجام می‌دهند ولی متناسب با نیاز نیست. مثلا هفتاد و چهار هزار فوق لیسانس در یک رشته‌ای هست که صد فوق لیسانس در آن بس است. همین‌طور خواندند و رفتند فوق لیسانس شدند، بدون اینکه بدانند جامعه نیاز دارد یا نه؟ خیلی چیزها را جامعه نیاز دارد و ما نداریم و خیلی‌ها را تولید کردیم و جامعه نیاز ندارد.

۲. کاشت بذر در خاک، برداشت از روی زمین

امروز بذر پنهان می‌شود و فردا سر درمی‌آورد. خیلی از عمل‌های مخفی و خالص امروز، فردا پیدا می‌شود: «وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا» (کهف/۴۹) قرآن می‌گوید: عملت در مقابلت مجسم است. بذری که امروز زیر خاک رفت فردا در مقابلت سبز است. در آخرت هم کارهایی که این‌جا می‌کنید، در مقابلتان مجسم می‌شود. قهراً کسی که کشت نکند بی‌بهره است.

شرایط آب و هوا و نور و باد هم موثر است. در دنیا همین‌طور است. عمل در حال فقر یا در حال غنا. توقع داشتن یا بی‌توقع بودن. هر عملی در شرایط مختلف فرق می‌کند، ممکن است یک لیوان آب ظهر عاشورا صد میلیارد بیرزد ولی غروب عاشورا یک ریال هم نمی‌ارزد. این عمل در چه زمانی، در چه مکانی از چه کسی و در چه شرایطی انجام شده، در کشاورزی علف هرزه‌ها را باید دور ریخت، از کشت جدا کرد تا این کشاورزی خوب شود.

در مورد اعمال هم باید موانع کار خیر را حذف کرد.

۳. کاشت در خاک نرم، نه روی سنگ سخت

کشاورزی در زمین نرم مفید است، روی سنگ چیزی درنمی‌آید. افرادی هم که سنگدل هستند و قساوت قلب دارند، عملشان قبول نمی‌شود. آدم‌هایی مثل سنگ هستند. قرآن می‌گوید: بعضی از آدم‌ها از سنگ هم سفت‌تر هستند: « ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُکُمْ مِنْ بَعْدِ ذَٰلِکَ فَهِیَ کَالْحِجَارَةِ » (بقره/۷۴) قلب اینها مثل سنگ است. بعد می‌گوید: «أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً» از سنگ هم سفت‌تر است. چرا؟ برای اینکه «وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا یَتَفَجَّرُ» (بقره/۷۴) از کنار سنگ‌ها چشمه آب بیرون می‌آید، اما این قلبش به‌قدری سنگ است که اصلاً معنویت و خیری از آن بیرون نمی‌آید.

در کشاورزی غیر از کشت، مراقبت هم می‌خواهد. در مورد اعمال هم همین‌طور است. عمل خالص مراقبت می‌خواهد. گاهی اول عمل، خالص است، برای خدا کارش را می‌کند ولی بعدا غرور و عُجب او را می‌گیرد. گاهی اول خداست، وسط هم خداست، آخر عمل، بعد از عمل یک گناهی می‌کند، حبط می‌شود.

شما اگر یک قرآن را حفظ کردی،اگر مراقبت نکنی فراموشت می‌شود. در مزرعه بعد از کاشت مراقبت لازم است. در دنیا هم عمل خیر که انجام دادی، مراقبت لازم دارد. همسر را مراقبت نکنی، ممکن است فاسد شود. بچه را مراقبت نکنی ممکن است فاسد شود.

اینکه بگویی من او را مدرسه فرستادم، همین کافی است و آموزش و پرورش باید یاد بدهد، این‌طور نیست. باید از او مراقبت کرد.

۴. گیاه بی‌ریشه، بدون دوام و استمرار

در مزرعه اگر گیاه ریشه نداشته باشد، دوام ندارد. در عمل هم همین‌طور است. قرآن از یک سری نمازخوان‌ها گلایه می‌کند. می‌گوید: نماز می‌خواند در حال کسالت. نماز می‌خواند ولی با نشاط نماز نمی‌خواند، با زور نماز می‌خواند. لذا به رفیقش هم می‌گوید: بلند شو نمازت را بخوان راحت شوی.

یعنی گیر کردیم. به رفیقش می‌گوید: ما که نماز خواندیم راحت شدیم. راحت شدیم یعنی چه؟ یعنی گیر کردیم.وقتی پول می‌دهد و انفاق می‌کند ولی با کراهت پول می‌دهد. یعنی روی نشاط پول نمی‌دهد: «وَهُمْ کَارِهُونَ» (توبه/۴۸)

در دنیا بعضی چیزها زود نتیجه می‌دهد. مثل چمن! بعضی چیزها دیر نتیجه می‌دهد مثل درخت پسته! می‌گویند: بعد از هفت، هشت سال پسته‌اش درمی‌آید. در اعمال خیر هم همین‌طور است.

بعضی از اعمال خیر، فوری جواب می‌دهد. بعضی اعمال خیر بعداً جواب می‌دهد.

تلاش کشاورز بدون همایش و نمایش

در مزرعه نشاط گیاه با آبیاری است، در قیامت هم نشاط با اخلاص است. بذر اگر سالم باشد، از خاک بهترین مواد غذایی را جذب می‌کند.

عمل خالص هم از همین دنیای فانی و عارضی و قلیل، از همین دنیای زودگذر کاری می‌کند که بهشت ابدی نصیب انسان می‌شود، کشاورز وقتی کشاورزی می‌کند، به فکر نمایش و ریا و گزارش به این و آن نیست. وقتی دانه می‌پاشد، اصلاً نمی‌گوید: دوربین‌ها بیایند من می‌خواهم کشاورزی کنم. نه پرونده پر می‌کند که چند کیلو گندم پاشیدم و چند دقیقه روی پا ایستادم.

کشاورز به فکر نمایش، گزارش، ریا، دوربین، گزارش به این و آن نیست. مومن هم در عمل باید به فکر گزارش به این و آن و نمایش و اینها نباشد. اصلاً کار نمایشی بی‌اثر است.

پزشک‌ها یک تحقیقی کردند که آدمی که غذا می‌خورد، اگر با اشتها غذا بخورد، شما اگر نگاهش کنی اشتها می‌آورد. اما اگر کسی فیلم بازی می‌کند، گرسنه نیست و همین‌طور فیلم بازی می‌کند، شما هم هرچه نگاهش می‌کنی گرسنه‌ات نمی‌شود. یعنی آن حالت‌های روحی در بیننده اثر دارد.

* درس‌هایی از قرآن، ۱۳۹۴/۲/۱۷

علامت قبول نشدن روزه ماه مبارک رمضان

...اگر ماه رمضانی گذشت و تمام شد و حظّ (بهره) ما از ماه رمضان فقط این بوده که یک ماه یک گرسنگی‌هایی و یک تشنگی‌هایی کشیدیم

- آن‌طور که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله)فرمود که بعضی از مردم حظّشان (بهره شان) از روزه فقط گرسنگی و تشنگی است - اغلب هم از بس که سحر و افطار می‌خوریم تشنه و گرسنه هم نمی شویم ولی لااقل بدحال می شویم، یک بدحالی پیدا کردیم و در نتیجه این بدحالی، قدرت ما بر کار کردن کمتر شد و بعد آمدیم روزه را متهم کردیم که روزه هم شد کار در دنیا؟!

(آن که محصل و دانشجوست گفت من در تمام این ماه رمضان قدرت درس خواندنم کم شد و آن که اهل کار دیگری است گفت قدرت فلان کار من کم شد، پس روزه بد چیزی است)، این علامت قبول نشدن روزه ماست.

*** مجموعه آثار استاد شهید مطهری(آزادی معنوی) ج۲۳؛ ص۴۷۴- با ویرایش جزئی**

نباید از زبان و گوش انتظار معجزه داشته باشیم

انتظار معجزه از «زبان و گوش »یک غفلت عظیم و اشتباه بزرگی است.

امروز در اجتماع ما که برای گفتن و نوشتن و خطابه و مقاله و خلاصه برای زبان و مظاهر زبان بیش ازاندازه ارزش قائلیم و بیش ازاندازه انتظار داریم در حقیقت از زبان اعجاز می خواهیم.

بالضروره، گفتن و نوشتن خصوصاً اگر همان طوری باشد که قرآن فرموده، حکمت و موعظه حسنه باشد، حقایق را روشن کند، تنها به صورت پندهای تحکم‌آمیز و آمرانه نباشد،شرط لازمی است ولی به اصطلاح شرط کافی و یا علت تامّه نیست.

چون از زبان بیش ازاندازه انتظار داریم و از گوش مردم هم بیش ازاندازه انتظار داریم و می‌خواهیم تنها با زبان و گوش همه کارها را انجام دهیم و انجام نمی‌شود، ناراحت می‌شویم و ناله و فغان می‌کنیم و می‌گوییم:

گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله من آنچه البته به جایی نرسد فریاد است

این شعر برای ما در همه زمان‌ها صادق بوده و هست. فکر نمی‌کنیم که ما اشتباه می‌کنیم، ما بیش ازاندازه از این گوش و زبان بیچاره انتظار داریم،گاهی هم- بلکه بیشتر اوقات- باید از راه عمل و چشم استفاده کنیم، ما با دست خود و عمل خود خوب رفتار کنیم تا آنها با چشم خودشان ببینند؛یک مقداری هم به این گوش و زبان بیچاره استراحت بدهیم.

***مجموعه آثار استاد شهید مطهری (امر به معروف و نهی از منکر(ده گفتار)) ج۲۰، صص: ۲۰۴-۲۰۳- با ویرایش جزئی**

چراغ راه

ویژگی‌های انسان‌های موفق

قال الامام الجواد(ع): «ثلاث من کن فیه لم یندم: ترک العجله، والمشوره، والتوکل علی الله عندالعزم».

امام جواد(ع) فرمود: سه چیز است که هر کس آن را مراعات کند،پشیمان نشود: ۱- عجله نکردن در کارها ۲- مشورت کردن در کارها ۳- به هنگام تصمیم و عزم بر انجام کاری،توکل بر خدا نمودن.[1]

۱- فصول المهمه، ص ۲۸۹

حکایت خوبان

تضاد قول و فعل انسان، تمسخر نفس است

امام رضا(ع) فرمود: هفت چیز است که بدون هفت چیز دیگر مسخره‌آمیز است: ۱- کسی که به زبان خود استغفار کند اما در دلش (از گناه) پشیمان نباشد، خودش را مسخره کرده است ۲- کسی که از خدا بهشت بخواهد اما در برابر سختیها شکیبا نباشد خودش را به سخره گرفته است ۳- کسی که خواهان موفقیت باشد اما تلاش و کوششی نکند خودش را به باد تمسخر گرفته است ۴- کسی که جویای دوراندیشی باشد اما احتیاط نورزد و خودش را ریشخند کرده است ۵- کسی که از آتش دوزخ به خدا پناه برد اما خواهش‌های دنیایی را رها نکند،خود را به باد تمسخر گرفته است ۶- و کسی که خدا را یاد کند ولی برای دیدار او نشتابد، خود را مسخره کرده است ۷- کسی که مرگ را یاد کند،و خود را برای آن آماده نکند. خودش را به تمسخر گرفته است.[1]

۱- بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۳۵۸، ح ۷۸

پرسش و پاسخ

عوامل موفقیت (۲)

پرسش:

از منظر آموزه‌های وحیانی، چه علل و عواملی موجب می‌شود، انسان به اهداف موردنظر خود برسد و در زندگی احساس موفقیت و سربلندی کند؟

پاسخ:

در بخش نخست پاسخ به این سوال به مباحثی همچون: مفهوم موفقیت و جایگاه آن در زندگی، انتخاب هدف، نقش هدف‌گذاری در کسب موفقیت و طبقه‌بندی انسان‌ها براساس هدف پرداختیم. اینک در بخش پایانی دنباله مطالب را پی می‌گیریم.

چگونگی موفقیت در رسیدن به اهداف

اصول موفقیت و رسیدن به اهداف عبارتند از: ۱- شکست را فراموش کنید ۲- خود را بشناسید ۳- فکر کنید و بر تفکر خود مسلط باشید ۴- تصمیم درست و منطقی اتخاذ کنید ۵- به خودتان اعتماد کنید ۶- به پیروزی ایمان بیاورید و باور کنید، خواستن توانستن است ۷- وقت‌تان را صرف کارهای مثمر ثمر کنید، و هرجا نیازی به کار مثبتی است درنگ نورزید ۸- انطباق با تغییر و تحولات زمانه ۹- پشتکار و تحمل انواع سختی‌ها ۱۰- اعتماد به نفس بالا ۱۱- استفاده از تجربه شکست‌ها برای رسیدن به اهداف در آینده ۱۲- تلقین من می‌توانم و تمام سعی خودم را به کار می‌بندم ۱۳- تمرکز توان و انرژی خود برای دستیابی به هدف ۱۴- مشورت با افراد متخصص و موفق ۱۵- استفاده از تجارب ارزشمند دیگران ۱۶- ذکر راز و رمز موفقیت‌های دیگران و شناخت و به‌کارگیری آنها ۱۷- استقامت در